

گاهنامه فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی  
گپ دوستانه با دانشجو - شماره ۲۶

# دانشجو سلام



کلاس درسی که در لرستان برگزار شد (صفحه ۳)



یادواره‌ای که برگزار نشد (صفحه ۴)



شفافیت به مشابه یک کاپوس (صفحه ۲)



مدرک کده‌ی الهیات (صفحه ۲)



قتل عام درختان ارسباران (صفحه ۴)



انتساب نابه‌جا (صفحه ۳)

من که تمام عمر شاهد قربانی شدن و پایمال شدن حقیقت‌ها، به‌وسیله‌ی انسانهای مصلحت پرست بوده‌ام، در مورد مصلحت عقده پیدا کرده‌ام و اعتقاد یافته‌ام که:

## هیچ چیز غیر از خود حقیقت، مصلحت نیست

دکتر علی شریعتی / کتاب شیعه / صفحه ۲۵۶



## یادواره‌ای که برگزار نشد

کودکی ام سلام  
امروز با تمام غرور، امروز با حسی از بزرگسالی کودکی ام  
را جشن گرفته‌ام! کودکی ام را در میان درخت‌ها و حنگل‌  
های سرسبز میگذرانم! آنها مثل من و من سرمست زندگی!  
سرمست کننده زندگی من درختانی اند که به آنها  
عشق می‌ورزم، و هریک برای دیگری نعمه‌ای از عشق من  
را می‌خوانند و من نیز به همان آوازان میرقصم

کلماتم را مینوازم، اینجا #سردشت است، اینجا بخشی از ایران  
است، ما انسان‌ها هر روز مورد آزمون خداوند قرار  
میگیریم، اما ما سردشتی‌ها و ما حلچه‌ای‌ها، یکبار مورد  
آزمون مرگ عده‌ای خونخوار قرار گرفتیم که انگار  
آزمونشان خطأ بود.

اینجا ایران است جایی که زندگی شان حکم شهادت به  
آنها داد، شهادت آنها واقعاً هنر مردان خداست

اینجا همان جاست که میگویند ناکجا آباد!

اینجا عشق بود، عشقی که همه را در گیر خود ساخت

اینجا کودکان نیز عاشق شدند و به احترام عشق خوابیدند  
که دیگر بیدار نشده‌اند

عشق اینجا درختان را نیز همنگ کوهستان کرد.

من می‌نویسم از چندهزار شهیدی که بی‌ادعا جان خود را  
تقدیم ایران اسلامی کردند، ایران مدیون خون شهداست،  
مدیون ما نویسنده‌گان هم هست که هر روز یاد آنها را زنده  
میکنیم

گذشت... اما کردستان هنوز هم بُوی خون میدهد، هنوز  
فرزندان دنبال مادرانشان هستند اینها همیشه زنده‌اند

اما در ایران من، افرادی فراموشکار اند،

گله مندیم...

شکایتم راند خدا میرم که هنوز دانشگاه من یادواره‌ای هزاران  
بی‌ادعا را فراموش میکند.

آنها فراموش شدنی نیستند، شما در تاریخ فراموش شده  
اید...

مجوز رقص درختان را به ما ندهید، اما  
رقصیدن درختان برگ‌ها را خواهد  
ریخت...



## هادی سعادت

### شناختن نشریه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان  
مدیر مسئول: محمد خلیلی ساتلو

سردبیر: رامین رنجدت

طراح و صفحه آرا: مجتبی شالچیزاده

همکاران این شماره: میلاد پرند، مصطفی مصطفایی، مهرداد صالحی، محمد خلیلی ساتلو، هادی سعادت  
تلگرام + اینستاگرام: @bsj\_azaruniv پایگاه اینترنتی: bsjazaruniv.ir



## شفافیت به مثابه یک کابوس



اگر شفافیت باشد، غالب دستگیری های به دست گیری ها تبدیل می شوند! باید این را یک تیتر در جامعه کنیم!

وقتی شفافیت در حیطه مدیریتی نباشد چون مخفی کاری هست، همیشه افراد دیگر دنبال دستگیر کردن هستند اما اگر شفافیت باشد، در اثر همین شفافیت، اگر طرحی، ایده ای یا کاری هم بخواهد انجام شود، چون صفر تا صد کار در معرض دید همه است ،

متقدان و موافقان نیز نظرات خود را بیان میکنند و با کارهم چیدن این نظرات متفاوت، خلاه های موجود به حداقل رسیده و دستگیری ها تبدیل به دست گیری میشود.

#به\_همین\_راحتی و #به\_همین\_کم\_هزینگی پیشنهاد من این است که در اطاق هر مدیری مانیتوری نصب شود و در آنجا کل بودجه تعلق یافه به آن حوزه مدیریتی مرتع برخود درآورد...

۰۰۰ پوند

صرف هزینه، با ذکر حتی جزئیات، از آن مبلغ کل بودجه تعلق گرفته کم شود و در معرض دید قرار گیرد.

مثلا همه افراد دانشگاه بدانند هزینه بازسازی مسیر قطار چقدر بودجه دارد؟ و یا تعمیر نمایشگاه چقدر هزینه برداشته؟ و یا جمع آوری صندلی های فلزی خوابگاه جهت نصب روکش با کدام بودجه انجام میشود؟ یا چقدر بودجه برای بزرگ کردن ساختمان آموزش کل کنار گذاشته شده است؟ اینها همه کارهای خوب و مفیدی است اما اگر شفافیت نباشد، ممکن است همین کارهای مفید تبدیل به مضر ترین کارها شود، و در اثر اعمال نظر تنها یک فرد یا چند فرد مشخص، صرفاً اولویت های موجود در ذهن آنها در نظر گرفته شود غافل از اینکه شاید اولویت های مهمتری نیز بوده باشد که در اثر عدم شفاف سازی و تصمیم ناگهانی آنها رعایت نشوند.

یقیناً غریب به اتفاق نیت ها خیر بوده اما چون روش ها غیر کارشناسانه است لذا باعث میشود قطاری که میباشد سر از از طبیعت در بیاورد، سر از

نمایش داده شود و برنامه ها و اهداف مشخص باشد، و با

## مدرک کدهی الهیات

توم بی هدف علم یعنی زمانی که فقط میدانیم بسته به اسم دانشگاه داریم، افرادی به اسم استاد داریم و تعدادی اطاق هم به اسم کلاس و یک سری کتاب های تاریخ گذشته ترجمه شده که میباشد تا ابد تکرار شود

لذا باید این اطاق های به اسم کلاس با تعدادی دانشجو به حد نصاب برسد، بی هدف و بدون پروژه...

اگر دانشکده الهیات نتوانست در زمینه اقتصاد در زمینه خانواده، در زمینه مفاهیم جنسی، در زمینه جامعه شناسی، در زمینه دین، در زمینه مباحث معرفتی در

هر ترم حداقل 20 مقاله قوی بیرون بدهد تا از این طریق هم نیازهای خود و هم جامعه را پاسخگو باشد، در اینصورت دانشکده الهیات، یک مدرک کده

الهیات است؛ و تنها یک کارکرد دارد: مدرک میدهد... الکی خوش نباشیم و رشت علمی نگیریم، چرا که تنها مدرک داریم آن هم با خواندن یک سری ترجمه بلکه یک مدرک کده الهیات است.

جالب اینجاست که سوال اکثر ماه

#چرا\_بیکاری هست آنسته از افرادی هم که در این رشته ها شاغل اند باید دوباره آزمون بدهند! اما این بار نه آزمونی که ترجمه شده مطالبه میکند! و دیدار بعدیشان ایام امتحانات ترم بعدی است!

او نیز رئیس دانشکده الهیات نیست، بلکه آزمون کارآیی/آزمونی که مشخص نماید فرد هدف دارد، پروژه دارد الکی خوش نبوده و رشت علمی نگیریم...



## انتساب نابهجا

همیشه ما شنیده یا دیده ایم که گفته اند:

انتساب بجا و شایسته فلاانی ... هیچ وقت انتساب نابهجا به گوشمن نخورده است که بگویند انتساب نابهجا و ناشایست شما، یک آسیب بزرگ است، چرا که اغلب خوها چاپلوس گرایانه است.

اگر میخواهید جایی را در بلند مدت از پا دریاورید، در آنجا انتساب های نابهجا را باب کنید.

همین جمله یک پروژه عظیمی است که توسط افرادی در ایران اجرا میشده و میشود، گاهاً چنان مهندسی شده است که خود افراد گرفتار به این موضوع هم خبر ندارند! اما چرا و چگونه؟

بدینصورت است افرادی که در یک زمینه خاص تخصص دارند، اما متسافانه در حیطه همان تخصص بکار گرفته نمیشوند ولی در زمینه های خارج از تخصصشان، ناگهانی گمارده میشوند!

شاید پرسید چگونه؟! ممکن است؟ چون معمولاً افراد سطح بالای برخی از جاهای، حلقه های در ظاهر موجه این پروژه می باشند و حرف هایشان فصل الخطاب است، انتساب ها را بدون درنظر گرفتن تخصص، و با وجود افراد متخصص در همان حیطه انجام می دهند و چرا؟

معمولاً چون این افراد گمارده شده در آن زمینه تخصص ندارند(نه تصوری و نه عملی) بنابرین مجبوراً افرادی دهن بین هستند، دائماً چشمشان دنبال دهان انتساب گر است و در پی تامین منافع آن شخص! اصلی ترین کار کرد این افراد گمارده شده بله چشم قربان! گفتن است.

افراد سطح بالا با عروسک خیمه شب بازی کردن این افراد، سیاست های تویالیتر(تمامیت خواه) خود را اجرا میکنند و همچنین این افراد چون تخصصی در حیطه کاری گمارده شده شان ندارند هیچ خطری به آنها محسوب نمیشوند و این مطلوب انتساب گر هاست.

این افراد معمولاً با کارنامه سفید اجرایی و مدیریتی اند! مثلاً گماردن استاد فیزیولوژی ورزشی بعنوان مدیر گروه فیزیک گرچه لفظاً شباخت دارد

اما در واقع یک انتساب نابهجا است که هم بر خود و تخصصش آسیب میزند و هم به آن جایگاهی که نابهجا متنصب شده، و چون مدیریت یک نهاد اداری را در دست میگیرند، افراد آن مجموعه را نیز دلسرد میکنند و مضافاً اینکه چون معمولاً در جامعه ما وبالخصوص در مجموعه هایی که افراد تویال در راس باشند، اعتراض و انتقاد دیر یا زود مساوی است با به نحوی از انجاء پشیمانی، لذا اینان نیز مجبور به تعیت می شوند و اگر این اتفاق در مجموعه های فرهنگی یافتد، خدا به خیر کند نتیجه فرهنگی را که آستان تحریق جامعه خواهد کرد...



## جهادی های دانشگاه در لرستان :

گروه جهادی بسیج دانشجویی دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان به منظور اعلام همدردی و کمک رسانی به مردم مناطق سیل زده در قالب یک گروه پنج نفره اعزام شدند. این گروه پس از کمک رسانی تغیریا یک هفتاهی و مشاهده وضعیت زندگی مردم سیل زده از تزدیک، مناطق را به مقصد دانشگاه ترک کردند. لازم بذکر است در این اردو جهادی سردار خرم (فرمانده کل سپاه عاشورا) در این مناطق با گروههای جهادی دیدار کردند.